زیبایی‌شناسی براساس وحدت در کثرت و کثرت در وحدت

دکتر مریم شمسایی[۱]
دکتر سید ضیاءالدین تابعی[۲]

«هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

«اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نام‌ها [و صفات] از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است [جمله] تسبیح او می‌گویند و او عزیز حکیم است»(سوره حشر:آیه ۲۴)

چکیده

زمینه و هدف: هر حسن و جمالی تجلی حق تعالی در افق طبیعت و آفرینش می‌باشد و برترین ابتهاج در ادراک زیبایی، به او نسبت داده می‌شود. جهان هستی چهره جمال حق تعالی است و ازآنجاکه هر کمالی در هستی، تجلی اوست ، حق تعالی دارای واجدترین کمالات است. به‌طور کلی زیبایی‌شناسی نمایش وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است. بنابراین در این مقاله برآنیم تا برقراری ارتباط میان زیبایی وحدت وجود و زیبایی کثرت وجود را عیان کرده و بیان کنیم که وحدت، حقیقت وجود و کثرت نمایش زیبای وحدت و تجلی هنرمندانه آن است.

روش: در این مطالعه از شیوه نظریه‌پردازی علمی و مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: با مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی و نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی و بیان راه‌های تجربه دستیابی به آن ، شکل‌گیری "زیبایی‌شناسی"تشریح گردید. با برداشتی از مبانی و اصول اسلامی و خداشناسی به تبیین و نظریه کثرت در وحدت و وحدت در کثرت پرداخته شد.

نتیجه‌گیری: با استنتاج از مفاهیم قرآنی و روایی و گردآوری تحلیل داده‌های معتبر نظریه زیبایی‌شناسی در وحدت و کثرت به شرح این مقاله ارائه شده است. که به‌طور کلی پدیده وحدت در کثرت و کثرت در وحدت در زیبایی‌شناسی وجود دارد که اندیشه توحیدی باعث توجه به سوی خالق یگانه شده و این مسئله را به وضوح می‌توان در آفرینش نظام هستی توسط خالق بی‌همتا مشاهده کرد.

کلید واژه: زیبایی‌شناسی، کثرت در وحدت، وحدت وجود

مقدمه

زیبایی‌شناسی [۳] از نظام فلسفی خاصی سخن می‌گوید که کارش کاوش در معنای جمال و شناخت زیر و بم‌های این پدیده است. با آنکه فلاسفه پیشین به‌طورکلی آن را به معنای چیزی "مربوط به حواس" در می‌یافتند و بر نقش شناختی و معرفت بخش[۴] آن تأکید

۱. استادیار گروه معارف اسلامی- دانشگاه علوم پزشکی شیراز. shamsaie2008@yahoo. com
۲. نویسنده مسئول، استاد اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز- Ethics@sums. ac. ir

3. Aesthetics
4. Cognitive

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

می‌کردند، زیباشناسی به‌عنوان نظامی جداگانه در زمینه علم و فلسفه تا میانه قرن هجدهم جایگاه مشخصی نداشت. فلاسفه پیشین پژوهش‌های خود را در باب زیبایی و هنر همواره به‌طور ضمنی و در حاشیه موضوعات دیگر به عمل می‌آوردند و با آنکه در باب مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، سیاست و اخلاق دستگاه‌های عریض و طویل فکری برپا می‌ساختند، زیبایی را همواره در حاشیه کرده و به‌عنوان موضوعی فرعی از آن یاد می‌کردند نه مستقل و متمایز (۱۳).

ملاصدرا معتقد است که :زیبایی حقیقت عینی و واحدی است که هرچه مرتبه وجودی شئ بالاتر باشد، زیبایی آن بیشتر است به‌عبارت دیگر با اشتداد وجودی شئ، زیبایی آن اشتداد می‌یابد و زیبایی، حقیقت واحدی است و تکثر زیبایی، تکثر رتبی است که شناخت بهتر زیبایی در گرو شناخت بهتر وجود است. وجود به بهترین شکل، با شهود ادراک می شود. بنابراین شناخت دقیق زیبایی در گرو شناخت شهودی آن است (۲).

صدرالمتألهین در جای دیگر می‌گوید: انسان از آن رو که وجود سیالی دارد، در مرز مشترک عالم معقول و محسوس ایستاده است. که از سویی با عالم ملکوت مرتبط است و از سوی دیگر، در عالم شهادت نیز می‌زید؛ او برخی از حقایق را از مراتب عالیه عالم دریافت و برخی را با حواس خود از عالم شهادت درک و دریافت می‌کند. بنابراین صورت‌هایی که در نفس هنرمند نقش می‌بندند، از دو حیث یافته‌های او هستند: صورت‌هایی که به شکل الهام یا حدس از مبادی عالیه عالم نفس او افاضه شده‌اند و صورت‌هایی که با او مشاهده و ادراک حسی، از عالم مادی و ذهن خود ایجاد کرده است (۳).

زیبایی از طریق حواس، عقل، یا حس اخلاقی تجربه می‌شود. نخستین شیوه‌ای که انسان‌ها زیبایی را تجربه می‌کنند از طریق حواس پنج گانه است: بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و بساوایی

زیبایی‌شناسی در موارد زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

الف: ادوات درک زیبایی

ب: ادوات خلق زیبایی

ج: چیستی زیبایی در دستگاه درک مافوق حس که عبارت است از توهم، تخیل، تعقل، تدلل

ادوات درک حسی شامل:

الف:گیرنده‌های حسی

چشم که رنگ‌ها را با استفاده از امواج نورانی درک می‌کند.

برای درک نور و رنگ باید تولید کننده نور و خالق چشم، مغز، اجسام و رنگ‌ها هم یکی باشد، در غیراین‌صورت زیبایی چشمی انجام‌پذیر نیست. در تخیل زیبایی خواهیم گفت که زیبا دیدن حاصل ورود وحدت به کثرت و استهلاک کثرت در وحدت است. امر نور و بینایی، امری جسمی و مادی است اما چگونگی درک عمقی این زیبایی، در بحث تحلیل زیباشناسی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شنوایی: امواج صوتی از ارتعاش اجسام در اثر ضربه مکانیکی به آنها تولید می‌شوند و مانند امواج نوری هفت نت اصلی دارند که این نت‌ها همان نت‌های موسیقی هستند.

شامه بویایی، محرک بویایی بیشتر مواد، شیمیایی بوده و بنابراین بو نظیر دیدن و شنیدن از راه دور ممکن نیست ولی در اینجا نیز گیرنده‌های اصلی و فرعی برای درک بوهای مختلف وجود دارند.

چشایی، ذائقه: نیر بویایی، محرک آن مواد شیمیایی بوده و بنابراین از راه دور قابل درک نمی‌باشد، در اینجا نیز گیرنده‌های مختلف برای درک چهار مزه اصلی که شیرینی، ترشی، شوری و تلخی است درک چشایی انجام می‌دهد.

گیرنده‌های حرارتی، نرمی، زبری، فشار که در پوست بدن قرار دارند.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

گیرنده‌هایی برای درک نیروی جاذبه که در گوش میانی قرار دارند و باعث احساس فضایی نیز می‌شوند.

خلق زیبایی در انسان، شامل سالم بودن ادوات حسی، مرکز درک و صدور فرمان از مرکز حرکتی به اندام‌های بدن است. برای مثال در مورد هنر تصویری خالق یک اثر تصویری باید از درک حسی، هماهنگی بین حس و حرکت و از سلامت اندامی برخوردار باشد تا بتواند با تقلید از زیبایی‌های تصویری طبیعت، به خلق یک اثر و هنر تصویری بپردازد.

ذهن

اطلاعات ابتدا توسط حواس ششگانه دریافت و سپس در مغز درک می‌شود و سپس وارد سیستم حافظه‌ای می‌شود. ذهن انسان از اطلاعات بدست آمده تجرید انجام می‌دهد. وجود ذهنی فرد از ادراکات او بوجود می‌آید. وجود ذهنی براساس مراحل رشد انسانی و مغز او و ماوراء آن به ترتیب زیر است: توهم، تخیل، تعقل و تدلل. به‌طور کلی منشأ و خاستگاه هنر و زیبایی هنری خیال است. عالمی وجود دارد بنام خیال که تمامی هنرهای مختلف متعلق به عالم خیال است که وجود ذهنی تخیلی تا اندازه زیادی به وجود عینی خارجی نزدیک می‌باشد و این قوه خیال مولد هنر و تکنولوژی است. شاید بتوان هوش‌های هنری تصویری، مجسمه‌سازی، دراماتیک، مدیریت، نظامی‌گری را در زمینه تخیل تقسیم‌بندی نمود. در یک طرف از این عالم خیال، عالم وهم است و طرف دیگر آن عالم عقل. که عالم وهم مربوط به وجود ذهنی در حالت توهم با وجود عینی مطابقت جزیی دارد. با مطالعه بر روی کودکان می‌توان به این وجود ذهنی در هنرهای نقاشی، تجسمی، دراماتیک آن‌ها نمایان است و علاقه آن‌ها به فیلم‌های کارتونی نیز مؤید این قضیه می‌باشد. اگر عالم تخیل تحت تأثیر عالم وهم قرار گیرد ممکن است هنرهای زیبا نما ایجاد کند. بنابراین اگر فرماندهی خیال تحت تأثیر عالم وهم قرار گیرد هنرهایی که تولید می‌شود زیبایی نداشته و گاهی هم آثار مضری دارد.

عالم عقل مربوط به دوران بلوغ کامل است که وجود ذهنی خارجی با وجود عینی مطابقت تقریباً کامل دارد، حتی بدون وجود خارجی می‌توان به هستی که دارای ماهیت نیست و فاقد کم و کیف است تا اندازه‌ای نزدیک شد. اگر عالم خیال از عقل تغذیه شود زیبایی بهتری ایجاد می‌کند.

پس از عالم تعقل، عالم تدلل وجود دارد که همان کشف و شهود می‌باشد، به ملکوت اشیاء پی می‌برد و علم شهودی مربوط به همین قسمت است. لذا خداوند با فرستادن رسولانی از سوی خویش علاوه بر راهنمایی کل بشریت، هدایت‌کننده هنرمندان نیز می‌باشد و زمانی‌که هنرمندان گوش به فرمان پیامبران باشند می‌توانند هنرهای زیباتری را خلق کنند. بنابراین هرچه مخلوقات به خداوند نزدیکتر باشند قدرت هنرنمایی بهتر و بیشتری را کسب می‌کند.

در این مطالعه سعی بر این است که نشان داده شود در زیبایی‌شناسی می توان توجه خود را معطوف به زیبا آفرین نمود. از طریق شناخت خالق زیبایی‌ها می‌توان به کارهای هنرمندان سرو سامان داده و کارهایی که را که انجام می‌دهند زیباتر کرد و به آن‌ها آموخته شود که منشأ زیبایی از کجاست تا ذهن هنرمند را لطیف تر نموده و هنرشان زیباتر گردد. هر حسن و جمالی تجلی حق‌تعالی در افق طبیعت و آفرینش می‌باشد و برترین ابتهاج در ادراک زیبایی، به او نسبت داده می‌شود. جهان هستی چهره جمالی حق‌تعالی است و ازآنجاکه هر کمالی در هستی، تجلی اوست، حق‌تعالی دارای واجدترین کمالات است. به‌طورکلی زیبایی‌شناسی نمایش وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است. بنابراین در اینجا برآنیم تا برقراری ارتباط میان زیبایی وحدت وجود و زیبایی کثرت وجود را عیان نموده و بیان کنیم که وحدت، حقیقت وجود و کثرت نمایش زیبای وحدت و تجلی هنرمندانه آن است.

وحدت وجود

موضوع وحدت وجود دارای قدمتی بسا طولانی است، که در آثار اقوام هندی (۲۰۰۰ق. م) محسوس می‌باشد. آن‌ها معتقدند که عالم وحدت، فوق محسوسات است و ذاتی غیرمحدود و قائم به نفس دارد. تنها وجود ثابت "برهما" است و غیر آن سراب، مظاهر

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

فریبنده و یا آثار هنری او هستند (۸).

تعدد نظرات و تنوع آرا در موضوع فوق، سیر پر فراز و نشیبی در تاریخ سپری کرده است. آنچه محوریت مقاله پیش رو را به خود اختصاص داده، وحدت و کثرت از منظر زیبایی‌شناسی می‌باشد که در ابتدا به نظرات اندیشمندان بزرگ در رابطه با وحدت وجود پرداخته شده.

وجود چیزی است در تمام اشیاء با این وجود اشیا را در بر نمی‌گیرد، موجودیت هر شئ، وابسته به آن چیز است که از وجود در هر شئ موجود می‌باشد و اگر آن چیز که از وجود در هر شئ است از آن شئ دور شود، آن شئ موجودیت خود را از دست خواهد داد و مبدل به چیزی خواهد شد که برای ما قابل درک نیست اما مبدل به عدم (نیستی) نمی‌شود چون نیستی وجود ندارد و بوجود نمی‌آید و هر چیز به هر شکل که بوجود بیاید وجود است. موارد مذکور دیدگاه ملاصدرا در مورد وجود می‌باشد (۱۲).

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در این رابطه می‌فرمایند: "مع کل شیء لا بمقارنه و غیر کل شیء لا بمزایله" یعنی [خداوند] با هر چیزی هست، نه به‌معنای همنشین و قرین، و غیر هر چیزی هست، نه به‌معنای دوری و ناپدیدی. (خطبه اول نهج‌البلاغه)

که در این بیان حضرت اشاره به این دارند که: خداوند با همه‌چیز هست اما نه آنگونه که آمیزش با آن‌ها داشته باشد و از طرفی بیرون از همه چیز است اما نه آنگونه که جدایی و تمیّز داشته باشد.

فلاسفه اسلامی از زمان فارابی معتقد بودند که خداوند به منزله هستی متعالی است که نمی‌تواند تحت هیچ مقوله‌ای کمتر از جوهر طبقه‌بندی شود. بنابراین مبنای جدیدی جهت مقوله‌بندی هستی‌ها ایجاد کردند، که هر چیزی که وجود دارد یا ممکن یا واجب‌الوجود است. تنها هستی خدا واجب‌الوجود است و بقیه موجودات ممکن و درستی آن‌ها وابسته به خدا هستند. تنها خدا و فقط وجودالبسیط است که قائم به خودش وجود دارد. از طرفی ابن سینا در کتاب هفتم شفا می‌گوید که: «هر چیز ممکنی، مرکب از وجود و ماهیت است» (۱۵).

وحدت مطلق مساوق وجود است یعنی نمی‌توان به کنه هستی رسید، وحدت ناب را نمی‌توان فهمید چون وحدت ناب با ذات خداوند یکی است (قل هو الله احد). اما این وحدت ناب می‌شود مطلق وجود.

خداوند دارای ذات و صفاتی می‌باشد. صفات خداوند بر دو نوع می‌باشد: برخی که در ذات ایشان قائم است و برخی زائد بر ذاتند. که صفات ثبوتیه‌اند. هرگاه جهت انتزاع صفتی از ذات و وصف کردن ذات به آن صفت تنها تصور ذات الهی کافی بوده و تصور فاعلیت خداوند لازم نباشد، آن صفت ذاتی می‌باشد. مانند صفت حیات وحی، اراده و مرید، علم و عالم، قدرت و قادر. صفات ثبوتیه خداوند اوصافی هستند که ثبوت وصفی را برای خداوند نشان می‌دهند که هفت قسم می‌باشد: "حیات، علم، اراده، قدرت، سمع، بصر، کلام که این صفات قائم به ذات اویند. اما در مرحله تعلق، متعلق به غیرذاتند و دارای چهار نوعند: زیرا تعلق آن‌ها به غیر یا تعلق کشفی است چون علم و سمع و بصر. یا تعلق تخصیصی است چون اراده، یا تعلق تأثیری است چون قدرت و یا تعلقی است بدون کشف و بدون تأثیر چون کلام"(۱۱).

در ارتباط با تفاوت میان اسم و صفت خداوند علامه طباطبایی می‌فرمایند:"تفاوتی میان اسم و صفت وجود ندارد؛ جز اینکه صفت دلالت می‌کند بر معنایی که در ذات وجود دارد، خواه عین ذات باشد یا غیر آن، ولی اسم دلالت می‌کند بر ذات که همراه صفت لحاظ شده پس حیات و علم دو صفتند ولی حی و عالم دو اسمند" (۹).

امام‌خمینی در بحث اسما و صفات الهی می‌فرمایند:"بدان که اسم عبارت است از ذات یا صفت معینی از صفاتش و تجلی مخصوصی از تجلیاتش، مثلاً: الرحمن عبارت است از ذاتی که با رحمت منبسط تجلی کرده باشد" (۴).

ابن سینا در این باب می‌گوید: "حیات خداوند غیر از علم او نیست و هیچکدام از آن دو غیر از ذات او نیست. پس روشن شد که آنچه از حیات، علم، قدرت، وجود و اراده که بر خدای واجب‌الوجود اطلاق شده‌اند فهمیده می‌شود، یکی است و نه صفات ذات اویند و نه اجزای ذات او. . . البته مفهوم علم به‌طورکلی و مفهوم حیات و مفهوم اراده یکی نیستند، لکن ما در اینجا سخنمان مربوط به

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

واجب‌الوجود عالم و قادر و حی می‌باشد. که همه این‌ها ناظر به یک چیز است (۱).

ملاصدرا صفات خداوند را عین ذات او می‌داند اما معتقد است که صفات تفاوت مفهومی دارد معنی درست عینیت ذات با صفات این است که همه این صفات متعدد کمالی به وجود خدا موجودند. یعنی ذات او تمایز وجودی از صفات ندارد. به‌گونه‌ای که هر کدام یک شخص جداگانه باشد و نیز هیچ صفتی تمایز وجودی از صفت دیگر ندارد، بلکه همه در عین تغایر مفهومی از وحدت وجودی برخوردارند" (۳).

غزالی نیز معتقد است که: رابطه صفات با ذات خداوند این است که "خدا عالم به علمی است و قادر به قدرتی و مرید به اراده‌ای و متکلم به کلامی و سمیع به سمعی و بصیر به بصری، و او راست این اوصاف، از این صفات قدیم. اگر کسی بگوید: عالم است بدون علم، چون کسی است که بگوید توانگری است بدون مال" (۱۰).

ذات خداوند که تجلی می‌کند می‌شود صفات خداوند. اسامی ذات خداوند علم مطلق، قدرت مطلق، حیات مطلق و کلام مطلق می‌باشد. صفات خداوند می‌شود: علیم، قدیر، مرید، حی، متکلم. اسامی فعل خداوند است که می‌تواند برای انسان‌ها نیز به‌کار برده شود. از جمله: عالم، قادر، کلیم.

بدین ترتیب مهم‌ترین مبنای نظری موضوع وحدت و کثرت، نظریه و اعتقاد به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت است. یعنی در خارج یک حقیقت واحده بیشتر نیست که همان وجود باشد و ماهیت حد و مرزی است برای وجود. [۵] (۶).

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی در غزل ذیل این مسئله پراهمیت را به زیبایی مطرح نموده: (غزل شماره ۱۵۲)

در ازل پرتو حسنت زتجلی دم زد	عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت	عین آتش شد از این غیرت و برآدم زد
عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد	برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد
مدعی خواست که آید به تماشاگه راز	دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

مسایل زیباشناسی در پرتو نگرش حافظ به حقیقت و هستی عالم که تجلی حسن و جمال الهی آمده است و به وحدت مطلق الهی اشاره می‌کند که واحد من جمیع‌الجهات و بسیط مطلق است و هیچ کثرتی در او نیست، او حقیقت وجود و منحصراً واحد است (۱۴).

کثرت و وحدت

براساس نظریه اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، تمامی احکام بالذات به وجود مربوط هستند و بالعرض به ماهیت تسری پیدا می‌کنند، از جمله این احکام، حکم وحدت و کثرت موجود است. یکی از احکام وجود، بساطت وجود می‌باشد. بنابراین تمام موجودات، حقایق بسیط [۶] می‌باشند.

وجود الهی واجد به وحدت حقه حقیقی بوده و موجودات همگی تجلی و ظهور آن اصل واحد می‌باشند تمام موجودات جهان کثراتی هستند که در وجود وحدانیت الهی مستهلک گردیده‌اند. تمام موجودات قائم به ذات اویند که اگر تجلی او از موجودات برداشته شود همگی معدوم گردند. حق‌تعالی در مقام تجلی به صور علمی، به تمام حقایق، عالم می‌باشد که منشأ تمام مراتب هستی بوده. در مقام احدیت شناخت و دستیابی به معرفت ذات الهی میسر نمی‌باشد و خداوند در این مقام در پرده جلال بوده و حتی انبیاء و اولیاء الهی نیز به مرتبه ذات الهی راهی ندارند و تنها حضرت احدیت است که به ذات خود آگاه می‌باشد. در مرحله واحدیت جایگاهی است که التفات می‌گردد ذات الهی با اسما و صفات آن ذات.

---

۵. اگر چه عقل قادر است بین وجود و ماهیت مغایرت ایجاد کرده و برای هر کدام احکام علی حده صادر کند.

۶. بسیط الحقیقه کل الاشیاء:حقیقت مطلق-اگر مطلق است- همه چیز است و اگر همه چیز نباشد مطلق نیست. حق تعالی هستی مطلق است. اگر معنای مطلق را بفهمیم، خداوند حقیقت همه اشیاء است . مطلق یعنی هیچ قیدی ندارد.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

ذات الهی در مقام احدیت از تمام کثرات مبراست. زمانی که تجلی افعال در اشیا صورت می‌پذیرد اشیا از علم به عین و مقام استجلاء[۷] رسیده و دارای وجود خارجی می‌گردند. در این‌باره ملاصدرا چنین می‌گوید: "همه ماهیات و ممکنات آینه‌های وجود حق‌تعالی و محل‌های جلوه و تجلی حقیقت مقدس او هستند و خاصیت هر آینه‌ای از آن جهت که آینه است، آن است که صورتی در او جلوه کرده است را نشان می‌دهد" (۷).

اساس زیبایی‌شناختی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت می‌باشد. لذا در زیبایی‌شناسی تجلی وحدت و کثرت و دست‌یابی به اندیشه توحیدی باعث توجه به سوی خالق یگانه می‌گردد که به گفته یکی از محققین منشأ زیبایی‌شناسی را توحید، عدل و کرم خداوند است که به‌صورت وحدت، توازن و کثرت می‌توان در آثار هنر الهی مشاهده نمود.

در آثار هنری مختلف می‌توان کثرت و وحدت را ملاحظه کرد که به چند نمونه از این آثار در ذیل اشاره شد:

به‌طور مثال اگر نگاره‌های استاد فرشچیان را تحلیل کنیم، در می‌یابیم که ایشان در ابتدا در ذهن واحد خود پرنده‌ای را متصور گشته‌اند سپس به این پرنده اجزاء تشکیل دهنده وی از جمله، بال، پر، دم، چشم و. . . داده می‌شود در آخر رنگ‌آمیزی این پرده در ذهن استاد شکل می‌گیرد. بنابراین کثرات در وحدت پرنده مستهلک شده که پرنده را بوجود می‌آورد. بینندگان هم که آن پرنده را می‌بینند در ابتدا کلیت آن را دیده و در ادامه متوجه اجزاء آن می‌شوند. هر چقدر وحدت ذهنی استاد با وحدت ذهنی بینندگان نزدیکتر باشد، آن نقاشی در نگاه مشاهده گران زیباتر جلوه می‌کند. بنابراین کسی که بتواند وحدت را در کثرات بیشتری بیاورد و کثرات را در وحدت مستهلک کند آن هنرمند قویتری کرد.

در زمینه موسیقی نیز می‌توان این مسئله را مشاهده کرد به‌طوری که در موسیقی هفت نت بیشتر وجود ندارد اما این هفت نت را رهبر ارکستر می‌تواند از سازهای متعدد ایجاد کند زمانی که نت‌های موسیقی توسط افراد نواخته می‌شود هر چه تعداد سازها بیشتر باشد و بین آن‌ها وحدت بیشتری ایجاد گردد، موسیقی دلنشین‌تری بوجود می‌آید و هر چه میزان وحدت کمتر ایجاد کند زیبایی موسیقی کمتر می‌شود.

در عالم معماری زمانی که معمار شروع به ساخت یک ساختمان می‌نماید با کثراتی از آهن، گچ، سیمان، چوب و ... در ذهنش می‌تواند ایجاد وحدت نموده و یک بنا را متصور شود. هرچه میزان اجزا و رنگ‌های آن ساختمان بیشتر شود آن بنا زیباتر می‌شود به‌شرطی که بتواند بین اجزای آن وحدت ایجاد کند. بنابراین آرشیتکت کسی است که در اجزای کثیر یک نوع وحدت ایجاد می‌شود تا بنا شکیل‌تر شود زمانی‌که شخص دیگری بتواند بین سنگ و چوب و. . طوری وحدت ایجاد کند که آن ساختمان حرکت کند می‌شود مهندس مکانیک که قدرت وحدت دهی وی بیش از معمار می‌باشد. به‌تدریج ذهن که به سمت مسائل ظریف‌تر که گام بر می‌دارد می‌توان بسیاری از اعمال دستگاه‌های سنگین را ظریف‌تر و پیچیده‌تر کرده و مهندسی الکترونیک را ایجاد نمود مانند ساخت کامپیوتر. زیباتر آنکه در اجزاء کثیر آنقدر وحدت ایجاد کرد که بتواند تولید مثل کند. یعنی به حدی قدرت پیدا کنند که بتوانند بین مولکول‌ها و اتم‌ها وحدت ایجاد نمایند و یک انسان بوجود آورد و در ادامه آنقدر وحدت ایجاد کند که آن انسان بتواند نطق کند و هم اینکه در او عقل ایجاد کند و این موارد می‌شود از زیبایی‌های خداوند که به برخی از بندگان خود عطا کرده است. مانند حضرت عیسی که به اذن خداوند توانست این وحدت را در بدن یک پرنده جامد انجام دهد که بشود یک مرغ جاندار یا مرده‌ای را زنده کند. که این به دلیل فیض روح‌القدس می‌باشد که حافظ می‌فرماید:

فیض روح‌القدس ار باز مدد فرماید: دیگران هم بکنند آن چه مسیحا می‌کرد (غزل شماره ۱۴۳)

اساس زیبایی و زیبایی‌شناسی وحدت است که بتواند وارد کثرات گردد بدون اینکه وحدت از بین برود و کثرات در وحدت مستهلک بشود. فلذا کسی که بتواند حداکثر وحدت را در کثرات ایجاد کند و همچنین حداکثر کثرات را در وحدت مستهلک کند آن شخص

۷. ظهور و جلوه ذات حق برای خودش و در تعینات خلقی، و به تعبیر دیگر هرگاه خداوند خود را در تعین‌های خلقی ملاحظه نماید و جمال و جلال خود را در آنها تماشا کند، استجلاء مطرح خواهد شد. (علامه حسن‌زاده آملی، در هراز و یک نکته، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ سوم، نکته سوم، ص ۱۳)

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

انسان بزرگ و وارسته‌ای است که پروردگار این قدرت را تنها به انسان کامل و انسان اول عطا نموده است کـه آن حضـرت محمـد(ص) می‌باشد که خداوند فرموده: "انا اعطیناک الکوثر* فصل لربک و النحر" (سوره کوثر، آیه ۱و۲) کوثر را به تو دادیم. یعنـی تـو مـی‌تـوانی وحدت ما را در کثرت بیاوری و کثرات را در وحدت مستهلک نمایی. پس آن وحدت ناب اولیه که به آن اعتقاد داریم مـی‌شـود توحیـد. کثرتی که در وحدت مستهلک بشود، می‌شود معاد. در سوره مبارکه الرحمن آیه ۲۹ خداوند می‌فرمایند: «کُلَّ یَوم هُوَ فِی شَـأن» یعنـی خداوند دائما در حال تجلی است. تجلیات خداوند هم تکـراری نیسـت. بـه‌طـورکلی پدیـده وحـدت در کثـرت و کثـرت در وحـدت در زیبایی‌شناسی وجود دارد که اندیشه توحیدی باعث توجه به سوی خالق یگانه شده و این مسئله که به وضوح می‌توان در آفرینش نظـام هستی توسط خالق بی‌همتا مشاهده کرد.

Opinion

Aesthetics Based on Unity in Multiplicity and Multiplicity in Unity

Maryam Shamsaei[1], Seyyed Ziauddin Tabei[*2]

1. Assistant Professor.Islamic Education Department. Shiraz University of Medical Sciences. Shiraz, Iran

2. ***Corresponding Author:** Professor, Medical Ethics, Faculty of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Ethics@sums. ac. ir

Abstract

Background: Every beauty is a manifestation of the Almighty God in the horizon of nature and creation, and the highest happiness in the perception of beauty is attributed to him. The universe is the face of the beauty of Almighty God, and since every perfection in existence is His manifestation, God Almighty has the most qualified perfections. In general, aesthetics is the representation of unity in multiplicity and multiplicity in unity. Therefore, in this article, we aim to establish a connection between the beauty of the unity of existence and the beauty of the plurality of existence and express that unity, the truth of existence and plurality is a beautiful display of unity and its artistic manifestation.

Methods: In this study, the method of scientific theorizing and library study has been used.

Results: The formation of "aesthetics" was explained with an introduction to aesthetics and the view of Islamic and Western thinkers and the ways of experience to achieve it. The explanation and theory of plurality in unity and unity in plurality was discussed with an understanding of Islamic principles and principles.

Conclusion: By inferring from Quranic and narrative concepts and collecting valid data analysis, the theory of aesthetics in unity and plurality is presented as described in this article. that in general there is the phenomenon of unity in plurality and plurality in unity in aesthetics, that monotheistic thought causes attention to the one creator and this issue can be clearly seen in the creation of the system of existence by the incomparable creator.

Keywords: Aesthetics, Divinity in Unity, Unity of Being

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

منابع

1. Ibn Sina H, Noorani A. Al-Mubadad and Al-Maad (Ibn Sina). Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran - McGill University; 1363.
2. Akbari R. Relation of Ontology and Aesthetics in Mulla Sadra's Theosophy. Journal of Philosophical Theological Research 2005; 7(25): 88-102. [In Persian]
3. Hafez Sh. Diwan Hafez: from the corrected version of Mohammad Qazvini and Qasim Ghani. Tehran: Asatir; 1998. [In Persian]
4. Khomeini R. Description of dawn prayer. Tehran; Torbat; 2005.
5. Khomeini R. Description of dawn prayer. Tehran; Etelaat.
6. Shirazi S. Al-Hikma al-Muttaliyyah in al-Isfar al-Arabah. Publisher: Sadra Islamic Wisdom Foundation Institute; 2003.
7. Shirazi S. Al-Hikma al-Muttaaliyyah fi al-Isfar al-Arbaeh - second volume. Beirut: Dar İhiya Al-Tarath al-Arabi; 1981.
8. Zia Noor F. Vahdat Joud, Tehran: Zovar Publications; 1989. [In Persian]
9. Tabatabaei MH. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Allameh Tabatabai scientific and cultural foundation; 1988.
10. Ghazali I. the collection "Fareed al-Lali Man Rasa'il al-Ghazali", including: Me'raj al-Salkin, Minhaj al-'Arifin and Rawda al-Talibin, Cairo, in the section of Rawda al-Talibin. Beirut: Dar al-Fakr; 1996.
11. Ghazali I. Revival of Sciences. Cairo: Othman Khalifa Publishing; 1933.
12. Corbin Henry. Mulla Sadra. Tehran: Javidan Publishing Organization; 1993.
13. Marcuse H. Aesthetic dimension. Tehran: Hermes; 2014. [In Persian]
14. Motahari M. Irfan Hafez.Tehran: Scientific and Cultural Foundation of Morteza Motahari; 2005. [In Persian]
15. Maithami S. Creators of the Iranian-Islamic World (Molasadra). Tehran: Nashranamak; 2017. [In Persian]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]